

NEWS

فراخوان همکاری

نظر به گستردگی فعالیت‌های روزنامه شهروند و توجه ویژه مسئولان آن به وضعیت جای جای کشور، راه‌اندازی صفحه سرزمین با هدف پرداختن به مشکلات و معضلات مردم در استان‌ها در دستور کار قرار گرفت که در این مسیر پرداختن به اقوام مختلف نیز در سرلوحه کار قرار دارد. براین اساس صفحه سرزمین پنجره‌ای است به سوی هر دیار و در این مسیر دست همکاری مسئولان، اساتید، کارشناسان، دانشجویان و اهل فن را به گرمی می‌فشاریم تا در جهت پربارتر کردن آنچه پیش روی شما قرار دارد، بکوشیم.

sarzamin@shahrvand-newspaper.ir
سامانه پیام‌گوشا ۹۷۰۰۰۰۳۰

جنوب

اجرای طرح تعویض کتاب و دفتر کهنه با لوازم التحریر نو در بندرعباس

مدیرعامل سازمان بازیافت شهرداری بندرعباس از اجرای طرح تعویض کتاب و دفتر کهنه و بدون استفاده از لوازم التحریر نو خبر داد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌المللی شهرداری بندرعباس، حمید جمالی در این‌باره اظهار کرد: طرح تعویض کتاب و دفتر کهنه و کاغذهای بلااستفاده با لوازم‌التحریر جدید مانند دفتر، خودکار، پاک‌کن، مداد و ... به مدت ۵ روز در بندرعباس اجرا می‌شود.

وی با اشاره به این که این طرح در راستای فرهنگسازی بازیافت و تفکیک زباله‌ها انجام می‌شود، افزود: معمولاً در هر خانه کتاب و دفتر کهنه و فرسوده وجود دارد و با توجه به نزدیک‌بودن بازگشایی مدارس، از آنجایی که دانش‌آموزان و دانشجویان اقدام به خانه‌تکانی می‌کنند، باید نسبت به تفکیک زباله‌ها توجه داشته باشند.

مدیرعامل سازمان بازیافت شهرداری بندرعباس با اظهار این که شهروندان می‌توانند با شرکت در این طرح، از مزایای آن بهره‌مند شوند، تصریح کرد: متأسفانه فرهنگ تفکیک زباله‌ها تر و خشک در برخی موارد اجرایی می‌شود.

جمالی با تأکید بر اینکه کاغذ سرمایه ملی است، اضافه کرد: برای تولید یک تن کاغذ، ۱۷ اصله درخت بزرگ قطع می‌شود، درحالی که کاغذ قابلیت بازیافت دارد.

وی با بیان این که طرح تعویض کتاب و دفتر کهنه با لوازم‌التحریر از روز ۲۹ شهریورماه آغاز می‌شود و تا پنجشنبه سوم مهرماه ادامه دارد، گفت: شهروندان می‌توانند با مراجعه به ۴ غرفه سازمان بازیافت واقع در پارک دیافان، ابتدای خیابان اتوبوسرانی، قبل از ترنیمال مسافری و محله آوزیرها مراجعه و لوازم‌التحریر نو دریافت کنند.

موقیقت فولادهرمزگان در بازارهای جهانی

مدیر فروش و بازاریابی شرکت فولاد هرمزگان گفت: از ابتدای اسمال تاکنون ۱۷۶ هزار تن تختال به خارج از کشور صادر شده است.

مهدی شکری‌زاده با اشاره به این که تعداد محموله صادراتی در ۶ ماهه اول ۹۳، ۶ محموله است، افزود: محصولات فولادی شرکت فولاد هرمزگان به کشورهای اروپایی و آسیایی صادر شده است.

مدیر فروش و بازاریابی گفت: پارسال، بیش از ۸۷ هزار و ۸۶۰ تن تختال صادر شد و همچنین میزان صادرات در ۶ ماهه ابتدای سال ۹۳ نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۸۸ درصد رشد داشته است.

وی بیان داشت: شرکت فولاد هرمزگان به‌عنوان پیشروترین شرکت فولادی کشور توانسته است در مدت زمان کوتاهی از زمان راه‌اندازی تاکنون خود را در بازارهای جهانی به‌عنوان یک برند معتبر معرفی کند و تختال خود را به‌عنوان یک تختال با کیفیت در اختیار مشتریان قرار دهد. اعلام رضایت از طرف مشتریان تاکنون و افزایش تقاضا برای محصولات فولاد هرمزگان، خود مویب این مطلب است.

مدیر فروش و بازاریابی شرکت فولاد هرمزگان بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین تجهیزات که خود باعث تولید محصول با کیفیت می‌شود، تولید تختال با ابعاد مختلف از عرض ۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلی‌متر و ضخامت‌های ۲۰۰ و ۲۵۰ میلی‌متر، تولید تختال با گریدهای خاص از جمله مزایا و امتیازات فولاد هرمزگان در بخش صادرات است.

وی فولاد هرمزگان را از ظرفیت‌های بزرگ، مهم و محورهای توسعه استان هرمزگان دانست و خاطر نشان کرد: فاصله ۵ کیلومتری با اسکله منطقه ویژه و بندر شهید رجایی در کنار خلیج فارس بهترین شرایط برای تولید و صادرات فولاد دارد.

شرکت فولاد هرمزگان به‌عنوان پیشرفته‌ترین کارخانه فولاد کشور، با ظرفیت تولید سالانه ۱/۵ میلیون تن تختال، در دی‌ماه سال ۹۰ به بهره‌برداری رسید.



از انتقال خون استان کردستان سرزمین فداکاری‌های بزرگ

بازگشت به روزی که خون در میان خون جوشید

فریسی گلوبی تازه می‌کند و به دور دست‌ها چشم می‌دوزد. انگار می‌خواهد غبار سالیان را از روی شهر مصیبت‌زده سال ۶۵ برزاید و بعد ادامه می‌دهد: سکوت و آرامش شهر شکست و ۱۸ نقطه سنج در فاصله کمتر از ۶ دقیقه توسط ۵ بمب افکن رژیم بعث عراق مورد حمله‌ای ناجوانمردانه قرار گرفت.

صدای ضجه مادران و گریه کودکان از همه جا به گوش می‌رسید. هنوز هم جوی خون از خاطرات آن روز می‌جوشد.

از انتقال خون تا بخیه و بانسمنان

فریسی، کارمند باننشسته انتقال خون کردستان ادامه می‌دهد: در شرایطی که شهر داشت در خون و اشک غوطه می‌خورد به یک چیز فکر می‌کردیم: «تأمین خون برای نجات جان هموطنان».

فتح‌اله فریسی می‌گوید: در کمتر از چند دقیقه بیش از ۲۲۰ نفر شهید و بالغ بر ۱۲۳ نفر نیز به شدت مجروح شدند که تنها بیمارستان شهر سنندج نیز گنجایش و ظرفیت این همه میهمان ناخوانده را در آن روزها نداشت.

آن روزها انتقال خون کردستان امکانات امروز و تجهیزات نوین حال را در اختیار نداشت، به‌رغم تمام دغدغه‌ها در پی فراهم‌آوری خون سالم برای نجات جان هموطنان برآمد. هرآنچه کیسه‌های خون در یخچال‌ها بود را با تنها خورد و آمبولانس‌ها که در اختیار داشتیم به بیمارستان‌ها شهر انتقال دادیم، پارچه نونشته‌ای را که همواره برای فراخوان استفاده می‌کردیم بر سر در سازمان نصب کردیم. دسترسی به تلفن امکان‌پذیر نبود از مردم محل که برای کمک جمع شده بودند جهت اطلاع‌رسانی هرچه بیشتر در کوی و برزن برآمدیم.

بمباران ۲۸ دی‌ماه این شهر در قطعه شهدا دل را مالا مال از غم می‌کند.

صدای اُپس فرمز سکوت صبحگاهی را در هم شکست و ناگاه دیوار صوتی شهر شکسته شد. به یکباره صدای اولین انفجار به گوش رسید و آپارتمان‌های میدان شهرداری سنندج به خود لرزیدند.

فریسی یکی از شاهدان این حادثه تلخ می‌گوید: اولین بمب به شلوغ‌ترین منطقه مسکونی شهر سنندج برخورد کرد. آن روزها در این آپارتمان‌ها که امروز نیز هنوز یادگارهای جنگ را بر پیشانی خود دارند بالغ بر ۶۰۰ خانوار زندگی می‌کردند.

اولین بمب در یک آپارتمان مسکونی و در نزدیکی یک مدرسه ابتدایی فرود آمد و هنوز صدای انفجار اول به پایان نرسیده بود که صداهای بعدی هم شروع شد. این بار محله چهارباغ و بعد خیابان انقلاب و در نهایت خیابان‌های آبکبان و میدان لشکر هفد بمب‌افکن‌های رژیم بعث عراق قرار گرفتند.

خون در میان خون جوشید

فتح‌اله فریسی، عضو باننشسته خانواده انتقال خون با آهی سرد از آن اتفاق یاد می‌کند و می‌گوید:

وحشت خون‌بار سراسر شهرستان سنندج را فرا گرفته بود... خیلی از مردم که سر کار بودند از سلامت خانواده خود بی‌خبر بودند و ترس و اضطراب از یک‌سوی، حادثه خونبار از سوی دیگر روزی خونین و پر از غم و نگرانی راه دنبال داشت.

اما این پیامان راه نبود مثل این که هواپیماهای معطلی که در انتظار بودند در خاک و خون بکشند زیرا به شلوغ‌ترین محله سنندج هم رحم نکردند و با بمباران محله «پیرمحمد» باعث خلق یکی از فجیع‌ترین جنایت‌های بشری شدند و دست آخر هم به مجتمع مسکونی لشکر واقع در یادگان سنندج یورش برده و آن‌جا را خاک یکسان کردند.

تعصب مانعی برای ادامه تحصیل دختران خراسان شمالی



دلشندن

این بود آن کسی که باید درس بخواند و در این مدارس قبول شود، نمی‌شود و توهم نمی‌خواهد که ادامه تحصیل بدهی. بزرگ‌تری از شهروندان مرد بجنوردی با ذکر این که عرف و فرهنگ خانواده ما این اجازه را به ما نمی‌دهد که اجازه دهیم تا دختران ما دور از ما تحصیل کنند، می‌گوید: ما دخترانمان را خودمان به مدرسه می‌بریم، حال چگونه اجازه دهیم تا در یک شهر دیگر ادامه تحصیل دهد.

وی می‌افزاید: شاید بی‌اعتمادی به برخی از افراد جامعه یکی از دلایل این امر باشد. در همین رابطه یک جامعه‌شناس در خراسان شمالی با اشاره به این که فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات و گرایشات است، توضیح می‌دهد: درست است که وسایل ارتباط جمعی توانسته توسعه پیدا کند، اما باید ببینیم که این ابزار چقدر توانایی آن را داشته است که برخی از فرهنگ‌های

اندک‌اندک بوی ماه مهر از راه می‌رسد و رنگ آغاز سال تحصیلی جدید به صداردمی آید، اما در برخی نقاط و منازل خراسان شمالی مهر دیگر ماه مدرسه نیست.

به‌گزارش ایسنا، همیشه وقتی از ترک تحصیل صحبت می‌شود عواملی همچون فقر مالی، دوری راه و نبود فضای آموزشی به میانه می‌آید، اما در خراسان شمالی عاملی مهم‌تر از این مسأله که بحث فرهنگی است، روی تحصیل دانش‌آموزان به‌خصوص در مقاطع بالاتر تأثیر گذاشته و قربانی‌های فراوانی را که بیشتر آنها دختر هستند می‌گیرد.

این مسأله نه تنها در روستاها دور افتاده بلکه در داخل شهر و در خانواده‌هایی که از لحاظ اقتصادی در سطح بالایی هستند نیز تأثیر گذاشته است و از سوی دیگر این فرهنگ حتی بر شماری از دختران نیز تأثیر گذاشته و زمانی که به مقطع دبیرستان می‌رسند، خود آنها تمایلی به ادامه تحصیل ندارند و خانه‌نشینی را به ادامه تحصیل ترجیح می‌دهند.

جهانپوست یکی از دختران ترک تحصیل کرده خراسان شمالی در این‌باره می‌گوید: تا نسوم راهنمایی به مدرسه رفتم و بعد از آن ترک تحصیل کردم.

وی با اشاره به این که از لحاظ اقتصادی در سطح بالایی بودیم، می‌افزاید: فرهنگ خانواده‌مان طوری بود که دختران‌شان را به دانشگاه نمی‌فرستادند و باید از مقطع دبیرم ترک تحصیل می‌کردیم.

وی با بیان این که چهار خواهر دیگر دارم که تمامی آنها نیز از مقطع راهنمایی ترک تحصیل کرده‌اند، ادامه می‌دهد: زمانی که کلاس سوم راهنمایی بودم منزل‌مان را عوض کردیم و در محل جدید نیز آشنایی نداشتیم که به دبیرستان بروم و تنهایی نیز امکان رفتن برای من مهیا نبود.

وی اظهار می‌دارد: رجبعلی لیلی خانیک‌ای ادامه می‌دهد: هیچ معنی ندارد که کشوری همچون چین نخواهد در عرصه سوغات نیز ورود پیدا کرده و با تولید سجاد و جانماز، مشکلات گسترده‌ای را برای تولیدکننده داخلی به وجود آورد.

دیار

درآمد ۵۰۰ میلیارد تومانی چین از جیب زائران رضوی مهر و سجاده‌هایی که بوی حرم ندارد

حکایت دست‌درازی چینی‌ها در بازار سوغات مشهد تمامی ندارد و سال‌هاست چشم زائران رضوی به جای سوغات بومی پایتخت معنوی به تحفه‌های چین روشن می‌شود و این در حالی است که مشهد سالانه میزان بیش از ۲۵ میلیون زائر است.

به گزارش مهر، عرضه تحفه چین در ویرترین مغازه‌های پایتخت معنوی ایران حکایت دیروز و امروز نیست و مدت‌هاست که در این آشفته بازار چینی‌ها پارافراتر گذاشته و به حوزه سوغات این شهر نیز چنگ انداخته‌اند تا این راه نیز سود بسیاری را در جیب خود سرازیر کنند، این امر موجب نادیده گرفتن هویت سوغات پایتخت معنوی شده است. سوغات واقعی شهرهای مذهبی راهی برای انتقال اعتقادات و معارف فرهنگ اسلامی است اما اکنون بازارهای مشهد به محلی برای عرضه سوغات چین و تحفه سایر شهرهای ایران تبدیل شده و در این آشفته بازار خبری از سوغات حقیقی مشهدالضامنست. هر زائری که به این شهر می‌آید یا باید نظاره گر سوغان قم و گز اصفهان باشد یا جانماز و سجاده چینی بخردا در بازار رضاعباسقلی خان، مغازه‌های بست‌بالاخیابان و پایین خیابان، مغازه‌های اطراف فلک‌آب و چهارراه شهید، سوغات‌های چینی و تحفه تمام شهرهای ایران را می‌توان پیدا کرد به جز سوغات مشهد.

طی سالیان دور کالاهای روسی به وفور در مشهد عرضه می‌شد و در حقیقت این جنسی بالای جان کسانی شده بود که به دنبال اجناسی با هویت و شناسنامه پایتخت معنوی بودند اما رفته‌رفته بساط کالاهای روسی از این شهر جمع شد و در مقابل عرصه‌ای برای جولان جنس چینی شکل گرفت و امروز کار به جایی رسیده که چینی‌ها دست‌در بازار سوغات مشهد نیستند. یکی از فروشندگان عرضه سوغات مشهد که در مغازه‌اش گز، سوغان و پولکی به وفور پیدا می‌شود، می‌گوید: سال‌هاست که به دلیل گرانی سوغات مشهد بازارهای این شهر به محلی برای عرضه کالای چشماهدامی‌ها تبدیل شده و اغلب زائران ترجیح می‌دهند به بطور مثال جانماز، مهر و تسبیح چین را به دلیل قیمت پایین‌تر خرید کرده و به‌عنوان تبرک به شهرهای خود ببرند. مهدی محرابی عنوان می‌کند: سوغات مشهد اغلب شامل عطر، نبات، زعفران، زرشک، نخودچی، کشمش، مهر، تسبیح، جانماز و سجاده است و چینی‌ها تا این لحظه به غیر از موارد ذکر شده، در تولید ماتیق سوغات این شهر دست دارند و خوب می‌دانند که زائران از قیمت پایین

را در خرید یک سوغات مدنظر قرار می‌دهند. عباس مکتبی هم یکی از بازاریابانی است که در بازار رضا در فروشگاه عرضه سوغات پایتخت معنوی کار می‌کند او معتقد است: طی سال‌های اخیر خرید سوغات مشهد برای زائر صرفه اقتصادی ندارد به همین دلیل بیشتر زواریان به دنبال جنسی مشابه و ارزان‌تر هستند و از سویی دیگر برای مغازه‌داران هم صرف‌نمی‌کند که تنها به فروش سوغات واقعی مشهد روی آورند تا فراموهار تحفه از آن توسط مشتری‌ها به شدت مورد استقبال قرار می‌گیرد.

مکتبی عنوان می‌کند: سوغان، باقلا، قوتو، زبوره، کشک، قه‌قروت، نبات، زعفران، زرشک، حاجی بادامی و نخودچی از سوغاتی‌ها است که اغلب مردم سوغاه عرضه می‌شود و این در حالی است که همه می‌دانیم بیشتر کالاهایی که نام برد شد جزو سوغات مشهد نیستند.

وی افزود: در کنار این امر مسأله تحفه‌های چین نیز فواید بالایی قوز نشده و همه این موارد در کنارهم بازار سوغات مشهد را بی‌هویت کرده و همان طور که می‌دانیم قیمت بالای سوغات مشهد سبب شده تا فروشندگان همه نوع سوغاتی را در مغازه‌های خود عرضه کنند. امپایر کرمان از دیگر بازاریابانی است که سال‌ها در حوزه عرضه سوغات مشهد فعالیت کرده و اعتقاد دارد یکی از مشکلات مهم این شهر بازگذاشتن دست‌چینی‌ها و عدم حمایت از تولیدکننده است که می‌تواند بهترین و مرغوب‌ترین سوغات را برای مشهد تهیه کند. البته جدای از این مسأله باید این نکته را هم مدنظر داشت که تحفه این شهر گران است و همین امر رغبت زائران را خرید را کم می‌کند. این فروشنده بیان می‌کند: امروزه زعفران به دلیل قیمت بالایی که دارد بیشتر مورد استقبال زائران مرفه است و زائرانی که درآمد کمتری دارند همان جانماز و تسبیح چینی را به دلیل قیمت پایین آن خریداری می‌کنند.

به نظر می‌رسد با توجه به قیمت بالای سوغات این شهر باید جایگاه خاصی نظیر ایجاد یک بازارچه را برای به‌فروش رساندن سوغات مشهدالضامن داد تا تحفه این شهر به قیمتی به مراتب پایین‌تر عرضه شده و از سویی دیگر نظر زائر نیز به جای توجه به سوغات سایر شهرهای ایران به سمت تحفه معنوی همین شهر جلب شود. مدیر کل میراث فرهنگی خراسان رضوی در این رابطه می‌گوید: ایجاد بازارچه صنایع دستی و بازارچه‌ای برای عرضه سوغات مشهد می‌تواند ضمن ایجاد اشتغالی به گونه‌ای که دست چینی‌ها از این بازار کمک کند، رجبعلی لیلی خانیک‌ای ادامه می‌دهد:

در حال حاضر برای ایجاد چنین بازارچه‌هایی نیازمند مشارکت بخش خصوصی هستیم و بی‌تردید با راه‌اندازی این بخش می‌توان ضمن عرضه سوغات این شهر با قیمت ارزان‌تر زمینه مقابله با کالای چین و حمایت از تولیدکنندگان داخلی را فراهم کرد. به گفته وی نباید اجازه داد که بازارهای این کشور به‌مذهبی به محلی برای عرضه تسبیح، جانماز و چادر چینی تبدیل شود. عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز با انتقاد از عرضه سوغات چینی در مشهد می‌گوید:

این درست نیست که سالانه بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان درآمد فروش سوغات این شهر جیب چینی‌ها سرازیر شود و مشهدی‌ها از کسب این مبلغ بی‌نصیب باشند. حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر بیان می‌کند:

هیچ معنی ندارد که کشوری همچون چین نخواهد در عرصه سوغات نیز ورود پیدا کرده و با تولید سجاد و جانماز، مشکلات گسترده‌ای را برای تولیدکننده داخلی به وجود آورد.